



## بسم الله الرحمن الرحيم جلسه یازدهم، سلسله جلسات طلبه تراز انقلاب اسلامی، استاد عابدینی

بحثی که در جلسه قبل خدمت دوستان مطرح شد، بحث نیاز بود که حقیقتا انسان، نیازش باید حتما با درد همراه باشد، همچنین نیاز انسان با آنچه بهش محتاج است طرفینی است. یعنی اگر انسان تشنه آب است، آب هم تشنه انسان است. فلذا در عالم، تمام هستی دنبال هم هستند تا با هم حرکتی را به سوی خدا داشته باشند و آن نیاز جدی اگر بیدار بشود، سرعت حرکت ایجاد میشود، اما اینکه عرض کردیم انسان خلیفه الله است و همه نیازها را دارد و این بالاتری نیازی است که در هستی امکان پذیر است، در انسان است، آفتش این است که شیطان هم به همین نسبت و با همین قوت خوب میشناسد. که آنچه باعث حرکت انسان میشود نیاز است. که این نیاز انسان را وصل میکند به رافع نیاز. لذا تمام سعی شیطان در این است که این وسیله عظیم ربط بین انسان و خدا را از دست ما بگیرد. منتها خیلی راه بلد است. خیلی کار میکند. خدای سبحان این ها را رسوا کرده است در قرآن. در روایات ما، این ها را بیان کرده اند. اما اصل اینکه باور بکنیم اولاً نیاز چقدر حرکت دهنده است، ثانياً شیطان خیلی توجه دارد به این توانایی که تازه ما شناختمان چقدر است، بهتر از ما میشناسد که این نیاز چقدر اثر دارد و انسان را چطور متصل می کند، لذا دنبال این است که این را از کار بیندازد هر جوری که می تواند. خب حالا راه های مختلفی دارد.

### صبر شیطان و اشتباه او

جریان ۹ دی که دیروز بود، آنچنان حرکت شیطان در آشوب کردن آن مقابل نیاز حقیقی که حقیقت رابطه انقلاب اسلامی با خدا بود، شیطان خیلی در این طریق توانست در جریان سال ۸۸ یک فتنه اینطوری را شکل بدهد. اما یک دفعه پا را از آن حدی که بود... چون شیطان خیلی صبور است. اینکه عجله از شیطان است، هست، اما خیلی هم صبور است. یعنی حاضر است یک تغییری در چند نسل انجام بشود تا نتیجه بگیرد. ما در اعمالمان میخواهیم نتیجه بگیریم، امروز شروع کردیم میخواهیم نتیجه اش را همین الان ببینیم، اما شیطان می گوید من حالا حالا انجام می دهم، دو نسل، سه نسل، نطفه بستن برای فرزند را حاضرم از حالا انجام بدهم، ۴۰ سال بعد معلوم بشود که چکار میخواهد بکند. حوصله دارد. بگوید این نسل را من این کار را میکنم، نسل بعدی، بعد از این می آید و یک خورده شدیدتر میشود.

مثلا دارد که ادریس نبی که از دنیا رفت، مردم از بس علاقه داشتند به ادریس و روحانیت ادریس برای مردم یاد خدا را زنده میکرد، یک هیاکلی از ادریس درست کردند که در معبد بگذارند تا با یاد ادریس، یاد آن حالات عبادات ادریس و ارتباطشان با ادریس بیفتند. خب این را ببینید شیطان چجوری علم کرد؟! حاضر شد یکی دو نسل مردم بیشتر یاد خدا بیوفتند، اما کم کم سوق داد تا نسل های بعدی که آمدند، فکر کردند مردم همین مجسمه ها را عبادت میکردند. لذا کم کم مجسمه ها شدند معبود. یعنی این ها که به عنوان یادآوری ادریس بود تا عبادت خدا را بهتر بکنند، شیطان صبر کرد تا خاطرات از دست برود تا بشود این کار را کرد. این حوصله شیطان در تغییر... اما گاهی هم اینطور نیست که خدا دستش را باز بگذارد هر جوری که او دلش میخواهد، انجام بدهد، تا جایی که بالاخره ابتلا و امتحان است. لذا در جریان ۸۸ یکدفعه تعدی کردند در برخوردهایشان، حتی به جریان امام حسین علیه السلام. پا را از انقلاب هم فراتر گذاشتند. تعدی کردند به جریان عاشورا. تا تعدی کردند به جریان عاشورا و امام حسین، کاملاً جریان مغلوبه شد. یعنی صدای بیداری مردم، چون هر کدام از این کارها که می کردند، یک صدا بود، چون مردم خیلی آن حالت احساس خطر را نمیکردند، بعضی هم یک آسیب هایی دیده بودند، این صدا بیدار نمیکرد. اما یکدفعه آن جریان صدایش خیلی بلند بود. تعدی به جریان امام حسین این نیاز را بیدار کرد. تا این نیاز بیدار شد، ریختند در خیابان ها، تا ریختند در خیابان ها، آن جریان مختومه شد بعد از چندین ماه. پری شب آمریکا حمله کرده به حشد الشعبی در مرزهای عراق و سوریه. الان چند ماه است که از قبل از اربعین در عراق آشوب بود. این جریان که عمده خطشان ابتدا مسائل اقتصادی و بعد مقابله با ایران و حشد شعبی بود، حتی کنسولگری های ایران را آتش زدند، یک دفعه ببینید، شیطان است دیگر، تعدی کرد. دید جو علیه حشد شعبی است، رفت پایگاه های این ها را بمباران کرد. سه پایگاه در عراق

و دو پایگاه در سوریه. ۳۰ تا از حشد شعبی شهید شدند. این مرزی که بمباران کردند، راه ارتباطی بین ایران و عراق و سوریه و لبنان است. تا این کار را کردند، یک دفعه تمام آن زحمت هایی که این چندین ماهه با یک خرج سنگینی کشیده بودند، دارد هدر می‌رود. مردم تظاهرات کردند به نفع حشد شعبی. رفتند تحصن کردند جلو سفارت آمریکا. نمیگذاشتند تا الان کسی اینجا بیاید. گفتند تا آمریکا خارج نشود نمی‌رویم. با اینکه متهم اصلی آمریکا بود، جریان آمریکا مطرح نبود. شعارها شعارهای جهت گیری هایی بود که خط بهشان داده میشد. با یک صدا یک دفعه بیدار میشوند. این صدا هم گاهی از دست شیطان در می‌رود. آمدند توجیه کنند گفتند چون حشد شعبی طرفدار ایران است ما کشتیم. دیگر جواب نداد. تا الان پیراهن عثمان ساخته بودند. الان شهدای حشد الشعبی که شیعیان هم هستند و به امر آیت الله سیستانی این بسیج تشکیل شد، ان شاء الله جواب بدهد و نقشه های چند ماهه این ها را نقش بر آب میکند. خلاصه شیطان گاهی بی گذار به آب می‌زند و نقشه هایش نقش بر آب میشود و این باعث بیداری می شود هم در نظام فردی و هم در نظام اجتماعی. یک دفعه در کار فردی یک چیزی از دستش در می‌رود، یک بیداری شدیدی میشود. از همه کارهای اشتباه دست بر میدارد. یا به فکرش می افتد و می‌ترسد.

## داستان شیطان و عابد

البته نباید مثل آن شخص بشویم که یک عابدی اهل عبادت بود، شیطان گفت از چه راهی میشود این را گول زد. یکی گفت از راه پول، یکی گفت از راه زن،... گفت نمیشود. یکی گفت از راه عبادت. رفت با او چند روز کنار او عبادت کرد. نه غذا خورد و نه خوابید و یکسره عبادت کرد. گفت چطور تو اینطور عبادت میکنی. گفت بگذر. گفت چطور میشود؟ گفت راهش این است که انسان مبتلا به یک معصیت بزرگی بشود، بفهمد چقدر دور بشود، بعد منقلب میشود حال عبادت بهش دست میدهد. گفت چکار کنم؟ گفت میروی فلان جا، یک بدکاره ای است، آنجا این ارتباط... خیلی حالت منقلب میشود. آدمی که عقل نداشته باشد همین میشود. یک کسی آمد پیش امام صادق علیه السلام عرض کرد فلانی خیلی اهل عبادت است، فرمود عقلش چطور است؟ گفت از آن نپرسید. حضرت فرمود لایعبا به. قابل اعتنا نیست. اگر اشتباه نکنم موسی کلیم الله است که دید عابدی است که خیلی اهل عبادت است. خدا فرمود برو چند روزی باش. رفت و بود. آخرش موسی گفت چی میخواهی از خدا. گفت من میبینم این سبزه زارها اینجا هستند، کاش خدا چهارپایانی داشت که این ها را میخوردند که اسراف نشود! تمام دغدغه او در این هستی چی بوده؟!... مثل این می ماند که امام زمان علیه السلام بیاید و من یک سوال جزئی که بود و نبودش فرقی نمی کند، این را از ایشان بپرسم، بابا این همه حاجت! این همه تقاضا! چرا انسان افقش را اینقدر محدود کند؟! گاهی آدم می گوید ببینم فقط، بعد هم می بیند و اثری هم در وجودش نمی گذارد، مثل آن مثالی که عرض کردم که طرف چله میگرفت که حضرت را ببیند، چله اش تمام شد و یکی آمد سوالی پرسید و رفت، روز آخر دوستش گفت چی شد؟ گفت هنوز نتیجه نگرفتم. گفت همین الان حضرت اینجا بود. خوب دید. خواسته بود ببینید و دید، اما نخواست به استفاده بکند. یعنی حواسمان باشد. شیطان گفت پول هم میخواهد. عابد گفت پول ندارم. گفت من پولش را دارم. رفت دم در خانه آن بدکاره. بدکاره دید و گفت خلاصه اینکه به این حرفا نمیخوره! ازش پرسید تو چرا آمدی؟ با مشتری های ما تو سازگار نیستی؟ گفت آره برای این آمدم، یک کسی پیش من هست و اینجوری گفته... گفت برو، آن شیطان است. یعنی این بدکاره عقلش می رسد، آن عابد عقلش نمی رسد، گفت برو الان بری می بینی نیست. رفت و دید نیست. بعد آن بدکاره مرد، بعد که مرد، ندا آمد که یکی از کسانی که منتسب به خدا بود مرده است، بروید تشییعش، همه تعجب کردند که این به این نمیخوره، می گویند یکی دو روز هم صبر کردند، بعد معلوم شد که یک نفر را نجات داد، با همه کار هایی که کرد اما عقلش رسید. یعنی همه چیزش را از دست نداده بود. این عبادت کرده بود ولی عقل را به دست نیاورده بود. میدانست که اگر این کار را بکند توفیق همه چیز را از دست میدهد. لذا معصیت توفیق همه چیز را از دست آدم می گیرد، کم پیش می آید کسی که یک موقع از دستش در رفته بشود و بتواند حالاتش را احیاء بکند. خیلی سخته، حتما عزم بیشتری میخواهد از قبل. داشتم این را عرض می کردم که شیطان می داند که نیاز چقدر قوی است، جریان ۹ دی را عرض می کردم، در جریان ۹ دی، نیاز بیدار شد و این باعث شد که مردم ریختند در خیابان و اجابت محقق شد. جریانات این دفعه هم همینطور. این شیطنتها صداست برای بیدار شدن. هر چه زودتر بیدار بشویم، اثر زودتر محقق میشود. چه در نظام فردی و چه در نظام اجتماعی.

## شیطان و ایجاد نیاز های غیر ضروری

شیطان یکی از راه هایی که برای خاموش کردن این نیاز به کار میبرد، این است که می آید نیاز را که ارتباط با رافع نیاز است را نمیگوید نیاز نیست. نیاز را می آورد، مطرح هم میکند، اما مرتبطش میکند با اسباب و وسایل. اسباب و وسایلی که انسان میگوید نیاز من این است این پول رافع نیاز است. نیاز من آن است، آن شخص رافع نیاز است. یکی یکی نیاز را با رافع نیاز چفت میکند. آدم میبیند نیاز برطرف شد. این یکی از راه های ساده است. برای مومنین است. اما یکمی جلوتر دیگر به این راضی نمیشود. نیازهای غیر ضروری ایجاد میکند. از اینجا میخواهیم مسئله را دقیق تر بکنیم. نیازهای غیر ضروری ایجاد میکند که انسان در آن غرق بشود. نیازهای غیر ضروری هم طیف هستند. یک نیاز غیر ضروری است و مباح است. یک نیاز غیر ضروری است و دروغی است. وهمی است. نیاز کاذب میشود. نیاز غیر ضروری ممکن است نیاز مباح باشد، اما نیاز کاذب نیازی است که انسان را ساقط میکند. پس اول انسان را وادار میکند به نیاز های غیر ضروری رو بیاورد. بعد در نیازهای غیر ضروری انسان را به کدام سمت میبرد؟ به سمت نیازهای کاذب میبرد. از نیازهای کاذب این دو جور توقع دارد. یک موقع این است که مشغولش کند، در راه گم و گور بشود، این را میگویند اضلال، ضلالت. مثلاً داشت در مسیر میرفت، کنارش یک جاده انحرافی بزنند که اینجا یک رستورانی است. از راه خارج میشود. گاهی بیش از این است. فقط انحراف از راه نیست. بلکه هدف را از انسان میگیرد. آنجایی که هدف را میگیرد، هم انسان راه را از دست میدهد هم هدف را. یعنی نیازش دیگر آن هدفی که داشت نیست. نیازش نسبت به آن هدف میشود. آن هم وهمی است. یک تعبیری دارند بعضی بزرگان که زیباست. شیطان در مقابل همه حقایق یک آینه گرفته که آن آینه عکس آن حقایق را نشان میدهد.

مَثَل معروفی است. چینی ها و رومی ها مسابقه نقاشی بینشان گذاشتند. رومی ها نقاشی کشیدند. این نقل افسانه های قدیمی است. چینی ها شروع کردند به یک آینه پرداختند و صیقل دادند. وقتی پرده را برداشتند، آن نقاشی آنها افتاده بود در آینه اینها. نقاشی در آینه قشنگتر نشان داده میشد یا در خودش؟ زرق و برقش در آینه بیشتر است. جلوه میکند. زیبا نشان میدهد.

شیطان آینه گذاشته است در مقابل همه حقایق که مطلوب و نیاز انسان است. این آینه عکس نیاز های انسان را نشان میدهد. اما انسانی که این آینه قدی را ببیند میفهمد این آینه است؟ نه. اصلاً آدم باور نمیکند این آینه است. آدم وقتی داخل خانه می آید، این را خانه میبیند. آدم فکر میکند ادامه دارد.

شیطان از این استفاده میکند. نشان میدهد نیاز انسان را به سمت عکس واقعیت. الان شاید باورمان نشود که اکثرمان به دنبال عکس واقعیت هستیم به جای واقعیت. یک خورده خودمان را دستکاری کنیم میفهمیم که ما هم دنبال عکسش بودیم. تشخیص بین واقعیت و عکس خیلی سخت است. تعبیر قرآن این است که **وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً<sup>۱</sup>**. اعمال کفار مثل یک سرابی میماند که در یک دشتی افتاده باشد که کسی که تشنه است از دور که نگاه میکند آب میبیند. تمام توانش را صرف میکند تا برسد به آب. وقتی رسید میبیند سراب بود. توانش هم از دست رفته است. عمرش هم از دست داده است. پایان عمر انسان همین است. وقتی رسیده چیزی بدست نیاورده است. یحسبه الظمان ماء. ولی وقتی می رسد آنجا چی؟ **وَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقَاهُ حِسَابَهُ**. وقتی خدا را یافت، چطور میابد؟ خدا را میابد در حالی که همه چیزش را از دست داده است. باید حسابش را پس بدهد، چیزی ندارد. تعبیر قرآن این است که گاهی **لَاغْوِيَنَّهُمْ<sup>۲</sup>**، هدف را ازشان میگیرم. گاهی **لَاضِلُّنَّهُمْ<sup>۳</sup>**، راه را ازشان میگیرم. گاهی **لَازَيِّنَنَّ لَهُمْ<sup>۴</sup>**، زینت بدن را زینت این ها نشان میدهم. زینت زمین را زینت این ها نشان میدهم. یعنی انسان یک چیزی را که مربوط به زینت زمین است، در حقیقت آیه شریفه این است که **جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا<sup>۴</sup>**. آنچه بر روی زمین است را زینت زمین قرار دادیم. اما اشتباهات شیطان می آید برای ما جلوه میدهد که زینت توست، همه عمرمان را می دویم دنبالش، وقتی عمر تمام میشود، فوجد الله عنده فوقاه

۱ النور : ۳۹ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئاً وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوْقَاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

۲ الحجر : ۳۹ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

ص : ۸۲ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

۳ النساء : ۱۱۹ وَلَاضِلُّنَّهُمْ وَلَأُمْنِيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلْيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا

۴ الكهف : ۷ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

حسابه. الان فکر میکنید ما داریم چکار میکنیم؟ باز الحمدلله ما طلبه ها یک قدری... البته ما با مفاهیم کار داریم، مفاهیم هم میتوانند همان باشد، از صبح میروند سر کار، شب می آیند غذایی میخورند و استراحت میکنند. یعنی بدو بدو برای مسکن و غذا و لباس. آخرش هم همه لذت و... میشود همین دنیا. اگر این عمرش تمام شد، کسر اب بقیعة است یا نه؟ چون همه این ها مقدمه بود که نظام روحی اش حرکت کند، ولی آنجا نمی رسد، وقت نمی شود، اگر وقت نشود چی میشود؟ فوفاه حساب.

## تحقیق؛ دشمن شناسی با موضوعیت شیطان

اگر دوستانی آیات شیطان را که نه فقط جایی که لفظ شیطان است، از جمله آنجاهایی که لفظ ابلیس است، یا فعل شیطان است، روایات را نمی گوئیم، روایات خیلی زیادند، شاید ۲۰۰-۳۰۰ آیه را بتوانید خوب پیدا بکنید که ببینید حرکت شیطان با انسان چگونه است. کتاب هم نوشته شده است. اگر کسی خوب انجام داده باشد و استفاده کرده باشد و بیاورد، من بهش جایزه می دهم. نه فقط کپی کنید و بیاورید! خودتان یک کاری کنید، یک کم با شیطان گلاویز بشوید، شیطان احساس کند که دارید با پر و پاش می پیچید. همین بر پر و پایش پیچیدن اثر دارد.

## تفاوت انسان و شیطان در استفاده کردن از تمام توانایی هایشان

اگر این نگاه که آدم وقتی دارد نگاه میکند ببیند شیطان آینه گرفته در مقابل حقایق، نکند اینی که من به عنوان حقیقت دارم دنبالش میروم، آینه باشد. اثر رفتن به سمت آینه این است که هرچقدر انسان به سمت آینه حرکت میکند، از حقیقت دورتر میشود. پس اگر انسان طرف آینه برود، دو کار دارد میکند. یکی اینکه طرف حق نرفته است. یکی اینکه از اصل دور هم شده است. سراب که انسان میروید این است. توانش را هم از دست میدهد، عمرش را از دست میدهد. پس سه کار انجام میشود. برگشتن هم امکان پذیر نیست. اگر این نگاه را کردیم، آن وقت وقتی به آیات رجوع میکنیم میبینیم...

شیطان در به کار گیری توانایی هایش هیچ شک و شبهه ای ندارد. هیچ توانایی هایش را کم به کار نمیگیرد. اما ما توانایی هایمان را سعی میکنیم دست نخورده باقی بگذاریم! ذخیره می کنیم! برای کی؟ برای بعد مرگمان که الیوم یوم حساب است و لا عمل! دیگر بدرد هم نمیخورد. مثل کسی که پولش را میگذارد بانک برای روز مبادا، به سختی زندگی میکند، بعدش هم می میرد، بعد می رسد دست ورته، ورته میخورند و یک خدا رحمت کند هم نمیگویند.

ما سرمایه های عمر و توانایی هایمان را خیلی در به کارگیری اش خسیسیم. اصلاً سخاوت نداریم که به کار بگیریم. چون این سرمایه ها را هرچقدر به کار بگیریم قویتر میشود. نیاز اثرش این است که اگر کسی دنبال نیاز رفت، اثر و علامتش این است که ادراک نیاز بالاتری میکند. هر ادراک نیازی که صحیح باشد، ادراک نیاز بالاتری ایجاد میشود. اما شیطان همین را استفاده میکند. لذا انسان در دنیا که بالاتر میروند، نیازش بیشتر میشود. سیری پیدا می کند انسان؟ **مَنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ دُنْيَا وَ طَالِبُ عِلْمٍ**<sup>۵</sup>.

لذا امام میفرمود اگر آقای کارتر همه کره زمین را هم به دست بیاورد، کره ماه و سیارات دیگر را هم میخواهد. چون انسان نا متناهی طلب است. طلب و نیاز انسان نامتناهی است. اگر افتاد دنبال دنیای متناهی، کارش نزاع و فساد و خون ریزی است. لذا تا ملائکه دیدند خدا فرمود **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً**<sup>۶</sup>، گفتند آنجا جای فساد و سفک دماء است. چون خلیفه نامتناهی است، زمین متناهی است. انسان نامتناهی در زمین متناهی، نتیجه اش میشود خون ریزی و فساد. انسان استعداد نامتناهی دارد. اگر این نیاز به فعلیت

<sup>۵</sup> الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۴۶:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدْنَةَ عَنْ أَبِي بَابٍ عَنْ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ دُنْيَا وَ طَالِبُ عِلْمٍ فَمَنْ افْتَضَرَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ سَلَامٌ وَ مَنْ تَنَاولَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا هَلَكَ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ أَوْ يُرَاجَعَ وَ مَنْ أَخَذَ الْعِلْمَ مِنْ أَهْلِهِ وَ عَمِلَ بِعِلْمِهِ نَجَا وَ مَنْ أَرَادَ بِهِ الدُّنْيَا فَهِيَ حُطْلَةٌ.

<sup>۶</sup> البقرة: ۳۰ و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

برسد، این هی شکوفا تر میشود. اگر افتاد در دنیا و طرف شیطان، این هم عظیم است و سیری ناپذیر است، اما فساد و سفک به دنبالش می آید. این نگاه است که اگر ما شیطان را هرچقدر بشناسیم، بدانیم که در به کارگیری توانش هیچ خست به خرج نمیدهد.

## دشمن همیشه بیدار ما؛ شیطان

لذا مرحوم علامه در المیزان میفرمایند شیطان از قبل از تولد انسان نقشه میریزد، حین حمل نقشه میریزد، بعد از به دنیا آمدن نقشه میریزد، در موقع بلوغش نقشه میریزد. دائما، در خواب و بیداری. انسان خواب است، شیطان بیدار است. اگر آدم یک دشمن اینطوری داشته باشد با حال ما سازگار است؟! من یادم نمی رود، یک بار خدمت آیت الله بهجت عرض کردم یک تشری به ما بزنید، خیلی بی باک شدیم. گاهی آدم جسورانه حرف میزند. جلو آقای بهجت اینطوری حرف زدن خیلی جرأت میخواست! صحبت هایی فرمودند، بعد در آخر فرمودند اگر انسان در یک جایی محاصره شده باشد و از همه اطراف در تیر رس باشد، اگر بخواهد قدم بردارد چطور قدم برمیدارد؟

در محاصره در زمان جنگ شما تصویر ندارید. در نظر بگیرید دارید یک جایی میروید، قله ها و کوه ها اطراف دست دشمن باشد، شما دارید در دامنه میروید. میبینید آنها شما را میبینند، شما هم آن ها را نمیبینید، قنایه هم داشته باشند. تفنگ دوربین دار. اگر انسان در محاصره باشد از همه اطراف، بخواهد قدم بردارد، مثل ما بی باک است؟ خوابمان یک خواب راحت! عمیق. خوردن هایمان خوردن با کیف! نمیگویم کیف نباید کرد، اما غفلت نباید باشد. رفتن و آمدنمان... حتی درس خواندن هایمان، شما دارید درس میخوانید احتمال میدهید شیطان با نقشه کنار شماست که این را هم خراب بکند؟ گاهی درس خواندنمان شده نقشه شیطان. لذا به بعضی نمیگوید دست از عبادت بردار، دست از درس خواندن بردار، همان درس خواندن را میکند نقشه شیطان. چقدر عالم زلت پیدا کردند و لغزیدند و افتادند. چقدر علم سبب ریزش شد. شیطان است دیگر.

اگر باور کردیم حقیقت عظیمی است که قدرت انسان را میشناسد و بهترین استفاده را دارد از انسان میکند، فقط خدا یک رحمی کرده، خیلی رحم کرده، یکی از رحم های خدا بر ما این است که شیطان را هیچ گاه به اندازه توانایی های هر شخص قرار نداده است. شیطان هر شخص خاص آن شخص است. کمتر از توانایی شخص است. ولی شیطان همه توانایی اش را به کار میگیرد لذا غلبه میکند. ما توانایی مان بیشتر است، همه توانمان را به کار نمیگیریم، لذا ضربه میخوریم. اگر کسی مواضع...

## یکی از مصادیق بارز غفلت؛ گوش

داشتم عرض میکردم که شیطان خوب میشناسد. یکی از کارهایش این است که انسان را غافل کند. اگر بگویید انسان غافل بشود و به نیازش اصلا توجه نکنند... الان چی در غفلت زان بودن از همه بیشتر است؟

دختری را نشان میداد در کره ۴۸ ساعت انداخته بودند زندان، غذا و... نداده بودند، گوشش اش را هم گرفته بودند. بعد از ۴۸ ساعت در حالی که ضعف داشت، گفته بودند گوشیت را بدهیم یا غذا؟ گفته بود گوشش! نیازش شده آن! گاهی بودن پیش گوش با عث میشود سر سفره نرود. با اینکه نیاز بدن صدا دارد، مگر یک جایی آدم احساس کند اگر نرود بقیه میخورند! از سر ناچاری میرود!

یک نیاز کاذب وهمی که این نیاز کاذب و وهمی، هم دروغ است، هم وهم است و انسان را آنچنان به خودش مشغول میکند، به طوری که رفع نیاز با گوش اصلا یک چیز عادی شده است. تا میگوئی چی، میگوید در گوش پیدا میکنم. رافع همه نیازها شده است. اگر یک چیزی بخواهد بخرد میگوید در گوش میزنم. بخواهد بفهمد میزند در گوشش. سوال را در گوش جوابش را پیدا میکند.

بعد میبینی آمدند در اعتکاف، در اعتکاف هستند، آمدند از دنیا دور بشوند، گوشش ها دستشان است. گوشش را بخواهد بگذارد کنار، تنهایی که موجب میشد ادراک کند نیاز واقعی اش را، تنهایی و خلوت بود که یقه انسان را بگیرد و ببرد به گوشه ای و بزارد به دیوار، بگوید تو کی هستی، چه کار کردی، چه کردی تا اینجای عمر، اصلا نمیگذارد این تنهایی پیش بیاید. یعنی در دروان تاریخ بشریت هیچ ابزاری برای شیطان در انصراف از اینکه انسان به فکر فرو برود از جریانی که امروز بوجود آمده است قوی تر نبوده است تا به حال. ممکن است قوی تر هم بیاید. اما تا الان چیزی که اینقدر اذهان و دل ها را به خودش مشغول بکند... مثل گوش نبوده است، به طوری که بعضی ها حتی دستشویی هم می خواهند بروند، این را می برند! یک بنده خدایی آمده بود خانه ما، رفت دستشویی، دیدم خیلی

طول کشید! ما هم عجله داشتیم! بعد آمد بیرون، گفتم چرا اینقدر طول دادی ماشین آمد دم در؟! گفت تلفن داشتم صحبت می کردم! گفتم شما همه لباس را درآوردی و اینجاست، پس گوشیت کجا بود؟! گفت گوشیم رو برده بودم!!! این ها خنده دار هست ولی مبتلاییم!

یعنی خدای انسان شده است گوشی. ان روایتی که آن جلسه عرض کردم که خدایا لاتجعل لفاجر علی یدافیحه قلبی، حاجت من را جایی قرار نده که دل من برود به سمت آن. الان دل ها به سمت آن است یا نه؟ شب که میخوابد، زیر سر است. هر وقت از شب که بلند می شود، اولین جایی که نگاه می کند چیه؟ اولین جا گوشی است. آخرین چیزی که می خواهد بخوابد چیه؟ گوشی است. اگر نصف شب یک غلت میزند و یک لحظه بیدار می شود، یک نگاه به گوشی می کند و می بیند کسی پیامی داده یا نه، چیز جدیدی در کار نیست. خیلی خطرناک است! نمیدانیم در چه دامی افتادیم. مثل یک تار انکبوتی است که داریم دور خودمان می پیچانیم و این پیچاندن به جایی می رسد که ما را خفه میکند. یک دفعه وقت نزع روح می بینیم که هیچ مفری نداریم. همه عشق و علاقه مان را ازمان میگیرند. همه آنچه با آن انس داشتیم تمام شد.

### عهد جمعی در کنترل استفاده از گوشی

من پیشنهاد این است که دوستان برای خودشان یک برنامه بگذارند، روزی چند ساعت گوشی را بگذارند کنار. هیچ آسیبی بهتان نمیرسد! یقین بدانید هیچ آسیبی بهتان نمی رسد!

یک پیام بگذارید رویش که هر کسی با شما کار داشت آن پیام بگوید این وقتی است که من گوشی ام کنار است و استفاده نمیکنم. این دو اثر دارد. یکی اینکه اگر کسی کار داشت خلاف ادب نمیشود. یکی اینکه تبلیغ است که معلوم میشود یک دورانی برای بدون گوشی بودن است. آن هم احساس بکند که این یک کار ارزشی است.

برنامه بریزید، بگوییم ما برای اینکه بخواهیم از دست شیطان، نیاز کاذب، نیاز وهمی رها بشویم، ببینید اصلا وقت فکر نداریم. نماز است، این گوشی جلو سجاده است! بعد هم زنگ میزند، وسط نماز یک نگاه میکند، میگذارد زمین. بعد دوباره سجود می رود، یک نگاه می کند و می گذارد زمین، تا نماز تمام میشود، اول گوشی رو نگاه می کند، ببیند در این سه دقیقه عالم چه اتفاقی درش افتاد نکند این بی خبر باشد! آدم اصلا می بیند تعجب میکند که خودمان شده است گوشی. باور کنید که اگر انسان... آنکه می گویند **أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ**<sup>۷</sup>، الان ما میتوانیم بگوییم **أَنَّ الْغُوشِيَّ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ**! آنقدر عشق زیاد است.

یعنی نمیگذارد انسان به خودش دست پیدا کند. آنجا که میگوید خدا حائل است، یعنی انسان قبل از اینکه به خودش برسد، به خدا میرسد. اینجا هم انسان قبل از اینکه به خودش برسد به گوشی میرسد.

لذا دارد که میفرمایند اگر انسان چیزی را دست داشت، حشره الله معه. اگر روز قیامت به ما بگویند که تو با این گوشی حشر پیدا میکنی، میگوییم خوش به حالمان! اگر نبود چه می کردیم! اما آنجا آتن نمیدهد! روی پرواز است! راه ندارد! چون انسان در حال پرواز است! برای کسی که با گوشی حشر می شود، لهم ما يشأئون ندارد!

اگر این نگاه را باور کردیم که شیطان دارد به بهترین وجه ما را از خودمان تهی میکند، اصلا وقت نداریم به خودمان فکر کنیم، وقت نداریم به خودمان بیردازیم، محرم رازمان گوشی است، خلوت و سَرمان گوشی است، آشکار و علنمان گوشی است، ظاهر و باطنمان گوشی است. خفایای وجودمان هم آنجاست. اگر بدزدند، ترس از اینکه آبرویمان میرود، اسرارمان لو میرود، همه اینها مطرح میشود. چون ظاهر و باطن آنجاست. خفی و علنمان آنجاست. نیاز تغییر کرده است. قبلا مادر وقتی بچه اش دور بود، یک رابطه قلبی بین مادر و بچه بود. هر چند بچه سر بازی بود. بچه مریض میشد مادر احساس میکرد. الان میگویند سریع زنگ میزنیم. به کار بردن ابزار نمی گوییم بد هست، اما بسیاری از توانایی های انسان را از بین برده تا این ایجاد شده. تمام قوای باطنی انسان مسکوت شده است. همه اینها مدفون شده است. به قیمت اینکه این تسهیل شده است. اصلا انسان دیگر رابطه های معنوی اش در ارتباطات از دست رفته است. یعنی خطورات، ارتباطات، محبت های بیرونی ضعیف شده است. مینشینند کنار هم، همش در گوشی اند، روابط خانواده ها

<sup>۷</sup> الأنفال : ۲۴ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ



بهم ریخته، این نگاه، این نیاز کاذب از سنخ این است. فقط این نیست. این بارزش است. آشکارش است، که اگر طلبه ما نیاز کاذب را از غیر کاذب درست تشخیص داد، این الگو میشود برای اجتماع. اما اگر این همانطور بود یا بیشتر بود، خب این خودش رفته به سمت شیطان. شیطان همه اش هم گناه نیست. شیطان، غفلت هم گناه است.

### اُسْتَنْ این عالم ای جان، غفلت است      هوشیاری این جهان را آفت است

لذا به ما میگویند اگر یکی را میخواهی از تفکر بیندازی، بمباران اطلاعاتی بکن او را. دیگر قدرت فکر و تحلیل نیست. بعد فکر نکنید آن عالم و عابد گول خورد... میبینید آدم آنقدر سطحی بار می آید و نمیتواند هر را از بر تشخیص بدهد با اینکه خیلی می داند. قدرت تمیز ندارد. با اینکه خیلی میداند. این دانسته هایش، دانه های تسبیح هستند که نخ تسبیح ندارند، سلسه نیستند، زنجیره نیستند. همه اش بمباران اطلاعاتی و خبر است. انسان نمیتواند در بزنگاه ها تصمیم درست را بگیرد، بعد می بینید می افتد.

اصلا انسان وقتی میخواهد برود سر نماز، گاهی میبینید این یک زنگ که این گوشی میزند، تمام وجود انسان می آید سر این که چی هست! الان کیست که دارد زنگ میزند! خیلی مباحث مختلفی داشتیم و این گوشی هم ما را مشغول خودش کرد. می گفت طرف داشت سر نماز ریشش را دست میکشید. گفتند تو کی نماز میخوانی؟ بعد دیدید عجب، این همش... شروع کرد ریشش را کندن. گفتند باز که مشغولی! حالا یک موقع هست گوشی ما را مشغول کرده، یک موقع هست داریم باهاش دعا می کنیم، آن دعوایمان هم مشغول است! پس باید حد دعوایمان هم معلوم باشد!

### بعضی از آیات در مورد شیطان

این نگاهی که نیاز واقعی باید انسان را به سمت خدا ببرد و انسان نیازمند ترین است. شیطان در مقابل نیاز انسان، می خواهد نیاز کاذب ایجاد بکند. شیطان عدو مبین است. من یک سری آیات شیطان را نوشته بودم که برایتان بخوانم ولی خودتان بنا شد به عنوان تکلیف رجوع بکنید:

**الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ<sup>۸</sup>**: هر جا دیدید که انسان از فقر میترسد، شیطان است. هر جا امر به بدی میکند، شیطان است. نمیبینیدش. فکر میکنید از درون خودتان است. اما شیطان است. قوای شیطان را نشد اینجا بگویم، قبلا برای دوستان گفتیم، می توانید رجوع بکنید. یک وقتی باید دوباره بگویم.

بعد می فرماید **إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ<sup>۹</sup>**. ترس از شیطان است. یک بنده خدایی بود حالش یک خورده عوض شده بود، گفت من دیگر از چیزی نمیترسم. واقعا نمیترسم. قبلا میترسیدم. از نداری نمیترسم، از وقایع نمیترسم. این خیلی عظیم است. شیطان یخوف اولیائه. یک ترسی در دل آدم می افتد... **لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ<sup>۱۰</sup>**. بله، ترس از خدا مذموم نیست. ترس از موجودات مذموم است. ترس از خدا ممدوح است.

<sup>۸</sup> البقرة : ۲۶۸ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

<sup>۹</sup> آل عمران : ۱۷۵ إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

<sup>۱۰</sup> البقرة : ۳۸ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

البقرة : ۶۲ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

البقرة : ۱۱۲ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

البقرة : ۲۶۲ الَّذِينَ يُتَّقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَتَّفَقُوا مَتًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

البقرة : ۲۷۴ الَّذِينَ يُتَّقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

البقرة : ۲۷۷ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آل عمران : ۱۷۰ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

المائدة : ۶۹ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

الأنعام : ۴۸ وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

الأعراف : ۳۵ يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

يونس : ۶۲ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

بعد در آیات دیگر می فرماید: **يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا**<sup>۱۱</sup>، میخواهد انسان را از راه دور کند، آن هم نه یک ذره. یک راهی که برگشت پذیر نباشد.

**مَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا**<sup>۱۲</sup>، قرین یعنی دیگر از ش جدا میشود. **فَسَاءَ قَرِينًا**. بد قرینی پیدا کرده است. آن میشود خودش. گوشی یک مرتبه از قرین است. میتوانیم این را بگوییم. از گوشی استفاده کردن عیب دارد؟ نه. اما اگر شد قرین انسان، محبوب انسان، کار شیطان است. ابراهیم خلیل را خدای سبحان بعد از ۱۰۰ سال بهش بچه داد. تا بچه داد دو سال بعد گفت برو بچه را با مادر بگذار در بیابان بی آب و علف. بگذار و بیا. ابراهیم اهل تعلق نبود، اما همین را خدا بهش داد و امتحانش کرد. بعد که فرزند شده ۱۴-۱۵ ساله، حالا امر می آید که **إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ**<sup>۱۳</sup>. برو سرش را ببر. ابراهیم بعد از جریان سر بردن میشود **إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا**<sup>۱۴</sup>. توشدی امام. ما مگر نمیخواهیم مبلغ دین باشیم؟ پس باید تعلقاتمان بریده باشد. نمیگوید زن نداشته باشید، بچه نداشته باشید، اما تعلق نداشته باشید. از کجا میشود این را شروع کرد؟ از همین گوشی. سرش را ببرید. نه بیندازیدش دور. اما توانید جدا کنید. اگر توانستید، احساس میکنید پوست انداختید. میروید بیرون نبرید. میگوید میشود نرفت، اما نمیشود بی گوشی رفت! عمدا و اختیارا آدم همراهش نبرد. یک ساعتی را دور باشد تا تعلق سر بریده بشود. گاهی انسان ببرد و گاهی نبرد. بتواند خودش را مدیریت بکند بدون گوشی. این حائل نباشد. این حاکم نباشد.

**وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا**<sup>۱۵</sup>: همه تان گرفتار میشدید. **إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا**<sup>۱۶</sup>. کید شیطان ضعیف است، به نسبت اینکه انسان توانش را به کار ببرد. اگر توانش را به کار نبرد حتما کید شیطان غلبه میکند.



الأحقاف : ۱۳ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

۱۱ النساء : ۶۰ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا

۱۲ النساء : ۳۸ وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا

۱۳ الصافات : ۱۰۲ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْطَرُ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

۱۴ البقرة : ۱۲۴ وَإِذْ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ

۱۵ النساء : ۸۳ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَاغُوا بِهِ وَوَرَدُوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلَّهُمْ لَئِمَّةٌ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا

۱۶ النساء : ۷۶ الَّذِينَ آمَنُوا يُعَاتِلُون فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُعَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا